



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

اهمیت تدریس در آموزش ابتدایی

مرضیه دلبری نیکو^۱، سعیده سادات حسینی کلکوه^۲، مبینا حق ندری^۳، زهرا بنیادی^۴، سیما السادات موسوی^۵

چکیده:

در این مقاله به بررسی اهمیت تدریس در آموزش ابتدایی می پردازد. آموزش ابتدایی به عنوان اولین مرحله آموزش همگانی مطرح است؛ البته آموزش پیش دبستانی به علت کمبود امکانات، همگانی نمی باشد. از آنجا که برخی از خانواده ها، از امکانات کافی مادی و فرهنگی برای آموزش محروم می باشند، آموزش ابتدایی موجب کاهش نابرابری های فرهنگی می گردد. آموزش ابتدایی، کودکان را برای مقاطع بالاتر آماده می کند و چنانچه از نظر کمی و کیفی در سطح بالاتری ارائه شود، افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقاطع بعدی، کمتر می شود. اگر آموزش ابتدایی در سطح گسترده ای صورت بگیرد و اکثریت یا تمام کودکان واجب التعلیم ایرانی را تحت پوشش قرار بدهد، می تواند بی سوادی را در کشور ریشه کن کند. هدف عمده آموزش دوران ابتدایی، پرورش استعدادها و قابلیت های بالقوه کودکان می باشد؛ لذا این آموزش ها در تمام دنیا تحت عنوان آموزش های عمومی در نظر گرفته می شود. آموزش و پرورش در دوره ابتدایی زیر بنای توسعه است چون آموزش و پرورش، کودکان را به عنوان نیروهای آینده تربیت می کند. در دوره ی ابتدایی یادگیری شیوه ی عمل و یادگیری روش بسیار مهم است، مثل یادگیری روش اندیشیدن، روش برقراری ارتباط و ... بعد روان شناختی آموزش نیز اهمیت بالایی دارد. روح کودک ظریف است و آسیب پذیر است و باید به علاقه ها، نیازهای روحیه ی او در تعیین روش تدریس توجه شود. کنجکاوی کودک امکان و فرصت بسیار مناسبی برای رشد فراهم می کند. آموزش و پرورش در دوره ی ابتدایی شدیداً آسیب پذیر است و نیز آمیخته ای از فرصت ها و تهدید است که در زمان مناسب باید از این فرصت ها استفاده کرد و به تهدیدها نیز توجه داشت.

واژه های کلیدی: تدریس، آموزش ابتدایی، برنامه ریزی

^۱ کارشناس مدیریت امور فرهنگی

^۲ کارشناس علوم اجتماعی

^۳ کارشناس آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان

^۴ کارشناس آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان

^۵ کارشناس آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه :

لحظه ای تامل کنیم و ببیندیشیم . نطفه ای که یک یاخته بارور شده بیش نیست در نه ماه به موجودی تبدیل می شود به پیچیدگی نوزاد یک انسان ، و این نوزاد در کمتر از پنج سال به ۸۰ درصد رشد نهایی خود می رسد . شاید بگویید: این که چیزی نیست ، نوزاد گربه مسیر اول را در سه ماه و مسیر دوم را در کمتر از یک ماه طی می کند . جواب این است : آن هم شگفت آور است ، ولی در مورد انسان نکته اینجاست که هوش ، استعداد ، خلق و خو ، شخصیت ، قدرتها و مهارتها در این دوره شکل می گیرد و رشد بعدی بیشتری در جهت کمی است تا کیفی .

بی دلیل نیست که تحقیقات روانشناسی در سالهای اخیر بیشتر در زمینه این مرحله از زندگی انسان انجام شده است و محققان ثابت کرده اند که منش و هوش ، تا آن درجه که در قدیم فکر می کرده اند ، ذاتی و ارثی نیست ، بلکه شدیداً متأثر از شرایط محیط است . هر قدر محیط نشو و نما ی کودک متعادلتر، آگاهانه تر، غنی و در جهت شکوفایی کامل او باشد ، هوش کودک بیشتر و خلق و خوی او متعادلتر است و بحرانهای کودک در مراحل مختلف رشد خفیف ترند. بر همین پایه تعلیم و تربیت دوره پیش از دبستان و آموزش رسمی در زمان ما اهمیت دیگر یافته است و در همه کشورها کم و بیش به توسعه ی آن توجه کرده اند و به تربیت مریبان آگاه و ورزیده پرداخته اند . در کشور ما نیز چنین است : در زمانی که روانشناسان به اهمیت دوران نخستین کودکی از نظر رشد روانی پی می بردند ، علمای تعلیم و تربیت به یقین دریافتند که اثرات منفی آموزش تحمیلی بسته و یکنواخت در مدارس در حدی است که استعداد ها و قدرتها را از بین می برد . نقش مدرسه به هیچ وجه این نیست که نوارهای ضبط صوت تولید کند ، بلکه بزرگترین وظیفه آن پرورش و توسعه قدرت تفکر و خلاقیت و تواناییها و مهارتهای یادگیری در انسان است . ولی این تواناییها و مهارتهای یادگیری چه هستند و چگونه باید پرورش و توسعه یابند؟ پاسخ به این پرسش را مشاهده و تجربه دقیق رفتاری کودکان خردسال در اختیار روانشناسانی چون گزل ، پیازنه ، والون و دیگران گذاشت . اینان در وهله ی اول ثابت کردند که کودک لوحه ی سفیدی نیست که در مدرسه هر چه به او بیاموزند بر لوحه ضمیرش نقش بندد ، بلکه کودک به طور طبیعی طی مراحل رشد از راه مشاهده و اکتشاف و تجربه و عمل می آموزد و دنیایش گسترش و عمق می یابد .

کودک آنچه را که بدان رغبت و شوق فهمیدن دارد واقعاً یاد می گیرد و جزء وجودی خود می کند . تنها این آموخته ها در رشد ذهنی و عاطفی و پرورش او موثر هستند. کودک آنچه را طی عمل و فعالیت شخصی می آموزد و درک می کند یاد می گیرد و جزء وجودی خود می کند . تنها این آموخته در رشد ذهنی و پرورش او موثر هستند .

*حد یادگیری هر کودک خود اوست . گر چه در مجموع روانشناسی رشد توانسته است خاصه های مراحل مختلف را به طور کلی تعیین کند ، ولی اختلافات فردی و محیطی آنچنان است که آهنگ رشد هر کودک مختص اوست و مراحل حساس یادگیری او چنین است .

*زمان و نیرویی که کودک برای یادگیری آنچه خود بدان رغبت دارد واز راه انجام دادن و فعالیت می آموزد به مراتب کمتر از زمان و نیرویی است که برای آموزش برنامه تحمیلی لازم است .

*آموزش هرگز یک جنبه ندارد ، بلکه همواره جنبه عقلانی ، عاطفی ، اجتماعی و جسمی توأم عمل می کنند و هرآموزشی پرورش است و بلعکس هر پرورشی آموزش ، و این دو روی یک سکه هستند و جدایی ناپذیر.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

*کودک همواره در حال فعل وانفعال با محیط و آموختن است بنابراین، هر چه محیط غنی تر و مناسبتر و روابط بین افراد در آن صمیمانه تر باشد، برداشت کودک از محیط بیشتر است. این اصول دست اندرکاران تربیت، یعنی مربیان و معلمان، را به چند نتیجه مهم رسانده است.^۶

معلمان زیرک و باهوشی باشیم :

تدریس فقط به معلم اختصاص ندارد، دانش آموزان نیز در آن شرکت دارند. برخی از معلمان خود را فردی برگزیده و دانش آموزان را ظرف های خالی می پندارند و نقش خود را انتقال اطلاعات به آنها می دانند. ویلیام راندو که مدت پانزده سال است که در دانشگاه یال به معلمان درس می دهد، می گوید: «بهترین معلمان، آنهایی هستند که خود را راهنما می دانند و دانسته های خود را به شراکت می گذارند. همچنین می دانند که محور اصلی یادگیری آنها نیستند بلکه دانش آموزان هستند.» شناخت مخاطبان امری ضروری است: این کافی نیست که معلمان فقط به مطالب درسی تسلط داشته باشند، لازم است افرادی را که به آنها تدریس می کنند، نیز بشناسند و از استعدادها، نیازها و تجربیات قبلی آنها آگاهی یابند. در غیر این صورت، چگونه مطمئن خواهند شد که آنها از قبل چه چیزی می دانند و لازم است چه چیزی را یاد بگیرند؟ راندو می گوید: «من همیشه به دانشجو-معلمان خود می گویم، فرض کنید که شخصی تلفن می زند و می گوید من می خواهم به دانشگاه یال بیایم، اولین سوالی که مجبورید از او بپرسید این است که: «شما هم اکنون کجا هستید؟» باید بدانید که آن شخص از کجا شروع کرده است تا بتوانید او را برای رسیدن به مقصد کمک کنید. این نکته ی واضحی است، ولی ما به عنوان یک معلم گاهی اوقات کار خود را شروع می کنیم، بدون اینکه از دانش آموزان خود بپرسیم، در کجا هستید و از کجا شروع کرده اید؟ محیط امن قدرت خطرپذیری افراد را بالا می برد: میشل فورمن که در دبیرستان میدل بری در ورمونت مطالعات اجتماعی درس می دهد، می گوید: خطرپذیری لازمه ی یادگیری است. دانش آموزان باید به آنچه نمی دانند واقف شوند و در مورد آنچه تصور می کنند که می دانند، دوباره فکر کنند. این امر می تواند برای هر کسی موقعیتی ناآرام یا حتی نگران کننده به وجود آورد. کمی گرمی و محبت می تواند این نگرانی ها کاهش دهد. قرار دادن یک میبل کوچل یا چند صندلی راحتی در گوشه ی کلاس برای استراحت بچه های خسته با تزئین کلاس با آثار دانش آموزان، به محیط یادگیری از نظر عاطفی، ذهنی و روان شناختی امنیت می بخشد.

دانش آموزان باید به یادگیری احساس نیاز کنند :

تدریس به بزرگسالان باعث شده است که تام مک کارتی، مدیر خدمات مشاوره ای دانشگاه موتورولا ارزش این مثل قدیمی را درک کند که: «هر گاه دانش آموز آماده شد، معلم ظاهر می شود.» برخی از افراد که در کارگاه آمادگی برای پیشرفت حضوری یابند، اصلاً آماده نیستند، زیرا خود را نیازمند به پیشرفت نمی دانند، آنها شکاف بین موقعیت فعلی خود و موقعیتی را که باید در آنجا باشند حس نمی کنند. یکی از اهداف اولیه مک کارتی شناساندن این شکاف به آنهاست.

^۶ توران - میرهادی، کتاب کار مربی کودک، ص ۷



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

وضوح مطالب به یادگیری کمک می کند :

یکی دیگر از ویژگی های اصلی یک معلم عالی، توانایی تفکیف ایده های پیچیده به اجزائی کوچکتر و قابل فهم تر است . گری کرتیس مدیر اجرایی ارتباطات داخلی جنرال موتور می گوید : «مهمترین مبحثی که مدیران با آن مواجه هستند ، این است که آیا افراد دیگر آن ها را درک می کنند یا نه ؟ در هر زمینه ای که صحبت می کنید مخاطبان شما باید به اصل قضیه پی ببرند . یعنی بدانند سازمان می خواهد به کدام سو برود ، چرا این تغییرات صورت می گیرد و شما چگونه کار و فکر می کنید . در غیر این صورت ، فرصت های جدید و همکاری مخاطبان خود را از دست خواهید داد.»

هنر تدریس کردن :

تدریس هنری است که هر کسی ممکن است نتواند از چنین هنری بهره ای کافی داشته باشد ، پیازه در خصوص اهمیت تعلیم و تربیت و فن معلمی می گوید ، آنجا که علم و هنر به یکدیگر پیوند می خورد ، به کار بردن بهترین روشها دشوارترین کارهاست مانند پزشکی و تعلیم و تربیت .^۸

امانوئل کانت ، فیلسوف مشهور آلمانی نیز که تفکرات او را به عنوان نقطه ی عطفی در تاریخ اندیشه های فلسفی غرب به شمار می آورند می گوید : در بین صناعات بشر دو صنعت از همه مهمتر است ، یکی حکومت و دیگری تعلیم و تربیت .^۹ این سخنان بیانگر آن است که تعلیم و تربیت ضمن داشتن اهمیت ، کاری ظریف و پیچیده است و گفته اند : «به کارهای گران مرد کار دیده ترست .» آیزر که یکی از منتقدان و صاحب نظران معروف در زمینه برنامه درسی است نیز تدریس را هنر می داند . پس اگر هنر است ، باید چنین هنری را آموخت :^۱

در تدریس ، شخصیت معلم است که بروز می کند :

تدریس امری شخصی است و برای آن نمی توان قاعده ی مشخصی تعیین کرد . افراد گوناگون آثار شکسپیر ، هر کدام به شکلی متفاوت می بینند . به قول پالمر : «ما درس می دهیم که چه کسی هستیم .» او می گوید : «لازمه ی تدریس این است که جرئت داشته باشیم ، هویت خود را کشف کنیم . اگر خود را کامل نشناسیم ، دانش آموزان خود را نیز نخواهیم شناخت . بنابراین نمی توانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم .» و ادامه می دهد : «چارلی پاکر نوازنده ی جاز چه خوب می گوید که اگر موسیقی را نشناسید ، هرگز از ساز شما نوای دل انگیزی بیرون نخواهد آمد.»

^۷ ماهنامه رشد مدیریت مدرسه شماره ۶

^۸ روانشناسی و... دانش آموزش و پرورش ، ص ۷۷

^۹ تعلیم و تربیت ؛ ص ۸

^{۱۰} محسن ایمانی ، کلاس اولی ها ، ص ۲۸



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلمین خوب، سوالات خوب می پرسند :

معلمان اثربخش می دانند که یادگیری یعنی شناخت و کشف دنیای ناشناخته و می دانند که چنین اکتشافی تنها از طریق سوال مناسب پرسیدن انجام می شود نه سوالاتی با شرح وتفصیل زیاد و نه سوالات با جواب بلی و نه که جای بحث ومجادله ندارند. گرتیس می گوید : «اگر می خواهید به عمق چیزی برسید، پنج بار پرسید چرا؟»

گوش کردن به اندازه صحبت کردن اهمیت دارد :

در بحث تدریس، عملکرد معلم به اندازه ی گفتار او اهمیت دارد. بیش از هر چیز دانش آموزان شاهد و نظاره گر رفتار معلم هستند یکی از روش هایی که نشان می دهد معلمان به دانش آموزان اهمیت می دهند و به آنها علاقه مند هستند، گوش دادن به آنهاست. یادگیری اثر بخش همانند یک خیابان دو طرفه است. یعنی گفت و گویی دو طرفه است، نه یک طرفه. برخی معلمان، معمولاً بعد از اینکه یک سوال را می پرسند، به جای اینکه منتظر پاسخ باشند، سکوت را می شکنند و خود پاسخ می دهند. اما مدیر می گوید: «لحظاتی صبر کنید. اگر می خواهید معلم خوبی باشید باید با سکوت آرامش را برقرار کنید، در همین لحظات آرام است که بعضی از پر حاصل ترین تفکرات به وجود می آیند. پس سکوت را نشکنید.»

استفاده از یک روش تدریس متشابه برای همه افراد مناسب نیست :

معلمان خوب می دانند که دانش آموزان در یادگیری متفاوت اند. برخی یادگیرنده ی بصری هستند، برخی یادگیرندگان موضوعات انتزاعی و بعضی با خواندن بهتر یاد می گیرند بنابراین شما به عنوان یک مربی مجبورید روش هایی چند بعدی را انتخاب کنید.

اصول کلی آموزش :

هدفهای آموزشی گوناگون اند و طیف وسیعی را شامل می شوند، روشهای آموزشی معلم نیز باید متناسب با هدفهای آموزشی او، متنوع و گوناگون باشند. یعنی معلم نیاز دارد در آموزش دادن هدفهای گوناگون درس خود، از روشهای گوناگون و متناسب با آن هدفها، استفاده کند.

۱- تدارکات پیش از یادگیری: یادگیرندگان باید پیش از یادگیری هر مطلب تازه، پیش نیازهای ویژه ی آن مطلب را آموخته باشند. علاوه بر این آمادگی که معمولاً از طریق یادگیری مطالب دروس پیش نیاز قبلی حاصل می شود، معلم باید در لحظه ی اجرای روش آموزشی خود یادگیرندگان را برای یادگیری موضوع تازه آماده کند. یعنی رابطه ی مطالب قبلی را با مطلب فعلی به آنها یادآوری کند و به آنها بفهماند که چه مقدار از آموخته های قبلی آنها ممکن است به یادگیری موضوع جدیدی کمک کند، یا در راه یادگیری تازه مانع ایجاد کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۲- ایجاد انگیزش و علاقه در یادگیرندگان : پژوهشهای گوناگون نشان داده اند که انگیزش یا علاقه به موضوع درس، بر یادگیری آن موضوع، تاثیر مثبت دارد. (ر.ک. به کتاب ویژگی های آدمی و یادگیری آموزشی، تالیف بلوم، ترجمه ی سیف ۱۳۶۳).
- از راه های مختلف می توان این علاقه مندی یادگیرندگان را افزایش داد.
- الف- متقاعد کردن یادگیرندگان به اینکه یادگیری مطلب مورد نظر، برای آنها ضروری و مفید است.
- ب- گنجاندن هدفهای مورد نظر آنان در میان هدفهای درسی .
- ج- شرکت دادن دانش آموزان و دانشجویان در طراحی فعالیتهای آموزشی و یادگیری .
- ۳- تهیه سرمشق یا نمونه ای از عملکرد نهایی : معلم بهتر است در صورت امکان مثال یا نمونه ای از آنچه که یادگیرنده باید در پایان کار یادگیری تولید کند در اختیار او بگذارد
- ۴- شرکت فعال یادگیرنده در یادگیری : دانش آموزان در آغاز یادگیری می توانند از سر مشقها و نمونه هایی که معلم در اختیارشان قرار می دهد استفاده کنند، اما پس از مراحل مقدماتی یادگیری، شرکت فعال آنها در جریان یادگیری بسیار ضروری و مفید است. در واقع یادگیری از طریق فعالیتهای خود یادگیرنده صورت می پذیرد، نه از راه گفته های معلم .
- ۵- هدایت یادگیرندگان : در مراحل مقدماتی یادگیری، بهتر است دانش آموزان را در انجام رفتارهایی که می خواهند یاد بگیرند کمک و راهنمایی کرد. اما به تدریج که آنها در کار خود مهارت کسب می کنند باید از دادن راهنمایی های غیر لازم کاست، تا اینکه سرانجام آنها بتوانند به طور مستقل به انجام دادن تکالیف یادگیری خود بپردازند .
- ۶- تمرین : معلم باید فرصتهای لازم را در اختیار یادگیرندگان قرار دهد تا مطالب و مهارتهای تازه آموخته شده را تمرین و تکرار کنند .
- ۷- آگاهی از نتایج : تمرین و تکرار مطالب باید همراه با اطلاع از نتایج کار باشد. تمرین بدون اطلاع از درستی و نادرستی نتیجه ی عمل، پیشرفت زیادی نصیب یادگیرنده نمی کند .
- ۸- رعایت مراحل آموزشی و استفاده از پیش سازمان دهنده : موضوع های درسی را باید طوری مرحله به مرحله ارائه داد که یادگیرندگان در ابتدا با مطالب آسان و آشنا روبه رو شوند و بعد به تدریج به یادگیری مطالب پیچیده تر و دشوار تر بپردازند .
- ۹- رعایت تفاوت های فردی : سرعت و توانایی یادگیری دانش آموزان متفاوت است. روش آموزشی معلم نیز باید ناظر به این تفاوتها باشد .
- ۱۰- اجرای فعالیت های متنوع آموزشی در کلاس درس : معلم باید به مجموعه ای از روشها و فنون متنوع آموزشی مجهز باشد، تا هر زمان لازم بود از آنها استفاده کند^{۱۱}.
- ویژگی های رویکرد «ارزش یابی در خدمت یادگیری» را می توان به این شرح فهرست کرد :
- ۱- یادگیرنده محور است : اطلاعات به دست آمده از ارزش یابی یادگیرنده معلم و دانش آموز را در اصطلاح و بهبود یادگیری یاری می رساند. به عبارت دیگر، یادگیرنده محور ارزش یابی تحصیلی است .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲- معلم را هدایت گر می خواهد : این شیوه ارزش یابی معلم تا حدود زیادی استقلال عمل دارد و صادقانه می کوشد جریان ارزشیابی را در کلاس به پیش برد این ویژگی تاکید می بر نقش تسهیل گر معلم در جریان یادگیری است .

۳- مشارکت دانش آموزان را می طلبد : این نوع ارزش یابی تحصیلی ، نیازمند همکاری و مساعدت دانش آموزان است . لذا تبدیل به فرایند مشارکت معلم و شاگرد در بهبود یادگیری خواهد شد .

۴- تکوینی است : به این معنی که ارزش یابی نه برای نمره دادن یا رتبه دادن ، بلکه برای بهبود کیفیت یادگیری صورت می گیرد.

۵- مستمر است : بر خلاف تصور رایج از ارزش یابی مستمر ، استمرار به معنی اجرای آزمون های مکرر نیست ، بلکه به این معنی است که در آن «حلقه ی بازخورد» محور و اساس کار معلم و شاگرد است . در جریان یادگیری ، بین معلم و دانش آموز تبادل اطلاعات به وجود می آید که به آن حلقه ی بازخورد گفته می شود .

در جریان این تعامل اطلاعاتی ، یادگیری رشد می یابد و توسعه پیدا می کند . لذا ارائه ی بازخورد به دانش آموز یکی از مهارت های تخصصی معلمان است . به سخن دیگر ، بازخورد محوری ترین مفهوم در رویکرد ارزش یابی تحصیلی است . یک بازخورد برای این که در فرایند تعامل اطلاعاتی معلم و شاگرد مفید و موثر واقع شود ، باید از این دو ویژگی برخوردار باشد .

* واضح و قابل فهم باشد : بازخورد ، پیامی است که دانش آموزان از منبعی (عمدتاً معلم) دریافت می دارند تا از چگونگی وضعیت یادگیری خودشان آگاه شوند . در رویکرد سنتی ، بازخورد عمدتاً کمی است . یعنی به صورت نمره ارائه می شود . نمره به دلیل ابهامی که دارد ، کمتر در یادگیرنده تاثیر می گذارد. (احسانی ، ۱۳۷۴ و Blak 2004)

بنابراین ، بازخورد باید هم توضیحی باشد و هم واضح و قابل فهم . یعنی به دانش آموز اطلاعاتی روشن و قابل استفاده از وضعیت یادگیری اش بدهد . به بیان روشن تر ، بازخورد باید حداقل به این دو موضوع توجه داشته باشد .
الف) روشن کردن میزان موفقیت ها و ضعف های دانش آموزان .

ب) ارائه ی رهنمود برای ارتقاء و بهبود یادگیری .

* منابع آن متنوع باشند : دانش آموز نباید صرفاً از معلم بازخورد دریافت کند ، والدین و حتی خود دانش آموز منابع مهمی برای دریافت بازخورد هستند . جان کلام این است که براساس اصل اول ارزش یابی ، لازم است معلمان و مدیران این راهکارها را مورد توجه قرار دهند :

- اجرای امتحانات مداد کاغذی را به عنوان ارزش یابی مستمر از دستور کار خود خارج سازند یا حداقل آن را با استفاده از روش های دیگر تعدیل کنند .

- ارائه بازخوردهای کیفی و توصیفی را گسترش دهند . به این معنی که نتایج گسترش دهند . به این معنی که نتایج ارزش یابی های پایانی ، تنها به صورت نمره یا رتبه به دانش آموزان ارائه نشود . برخی مدارس ساز و کاری را طراحی کرده اند که در کنار نمره ، بازخورد کیفی نیز به دانش آموز و والدین او ارائه می شود.^{۱۲}



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نظریه کارشناس :

در دنیا و تا به امروز دقدقه ی همه کارشناسان و برنامه ریزان، طراحی یک مدل آموزشی خوب و مفید برای کودکان و دانش آموزان بوده است. راهکاری که فراگیری، علم اندوزی و یادگیری را آسان تر و بهتر کند. و تا به امروز نیز ادامه دارد و خواهد داشت. چون کودکان خیلی پیچیده و پر رمز و رازند و هر چه انسانها جلوتر می روند طبعاً کودکان نیز به همان گونه جلوتر می روند و در عصری زندگی می کنند که پیشرفته و آنها نیز نیاز به پیشرفت خواهند داشت. کودکان خیلی کنجکاو و جست و جو گر هستند و همه کارشناسان نیز در پی این که به این کنکاش آنها جوابی بدهند. امروزه آموزش و پرورش نیز بزرگترین سرمایه در جهان به حساب می آید و مسئول بارور کردن کودکان را به عهده دارند و تلاشهای شبانه روزی برای پیشرفت کودکان همچنان ادامه دارد و خواهد داشت چون کودکان امروزه آیندگان فردا هستند. ولی چه راههایی طی کنیم تا این آموزشها مفید واقع شوند؟ و آموزش سریعتر و مفیدتر صورت گیرد.

آنچه مسلم است پیشرفتی که همه ی کودکان پا به پای این عصر پیشرفته کرده اند. آنها ذهن های فعالی دارند و با پرسشهای فراوان و چه بهتر که در آموزش ما فقط اصول کلی را مطرح سازیم و جزئیات را با خود کودکان - دانش آموزان به اجرا دریاوریم. یعنی اینکه ما چهارچوب کلی آموزش و یادگیری را برای دانش آموزان یا کودکان مطرح سازیم ولی کنکاش و یادگیری را به عهده خودشان قرار دهیم آنها با جست و جویی که انجام می دهند و با کنکاشی که انجام می دهند با تلاش هم، در کنار یکدیگر چیزهایی کشف می کنند که حتی غیره منتظره می باشد و مربیان و معلمان تنها راهنما برای مواقع لزوم و نظاره گر کارهای آنها و سازمان دادن به کارهای آنها باشند. البته امروزه نیز کم کم مربیان و معلمان به این روش روی آورده اند. ولی ما باید این باور را داشته باشیم که کودکان امروزه در مقایسه با کودکان چند سال گذشته تغییرات تفکری و ذهنی زیادی کرده اند. مسلماً اگر کودکی خود را با کودکان امروزه مقایسه کنیم قطعاً این کودکان کنجکاو تر از ما هستند و ما نیز امروزه باید طوری معلومات خود را افزایش دهیم که در مواقع لزوم و یا همیشه اطلاعات کاملی را داشته باشیم. چون اگر کودک به جواب سوال خود نرسد ممکن است همیشه ذهن او مشغول باشد و یا شاید یک برداشتی از معلم یا مربی خود بکند که معلومات او ضعیف است و قادر نیست به سوالات او جواب قانع کننده ای بدهد. پس مربیان نیز پا به پای کودکان چیزهای زیادی بیاموزند تا دچار چنین چیزی نشوند. البته این را هم بگویم که بسیاری از کودکان چیزهایی را می دانند که حتی مربیان قادر به دانستن آن نیستند و از آنها یاد می گیرند که مربیان مسئول پرورش چنین کودکانی هستند. مربیان آینده ساز کودکان هستند پس یک راهنمای خوب برای آنها باشیم.

اهمیت آموزش ابتدایی :

آموزش ابتدایی به عنوان اولین مرحله آموزش همگانی مطرح است؛ البته آموزش پیش دبستانی به علت کمبود امکانات، همگانی نمی باشد. از آنجا که برخی از خانواده ها، از امکانات کافی مادی و فرهنگی برای آموزش محروم می باشند، آموزش ابتدایی موجب کاهش نابرابری های فرهنگی می گردد. آموزش ابتدایی، کودکان را برای مقاطع بالاتر آماده می کند و چنانچه از نظر کمی و کیفی در سطح بالاتری ارائه شود، افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقاطع بعدی، کمتر می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اگر آموزش ابتدایی در سطح گسترده ای صورت بگیرد و اکثریت یا تمام کودکان واجب التعلیم ایرانی را تحت پوشش قرار بدهد، می تواند بی سوادی را در کشور ریشه کن کند.

در سال ۱۳۱۳ نظام نوین آموزشی ایران گسترش پیدا کرد، دانشسرا و تربیت معلم در ایران، به نام "دارالمعلمین" و "دارالمعلمات" و سپس دانشسرای مقدماتی تأسیس شد.

تا سال ۱۳۴۵ نظام آموزشی ایران دارای سیستم شش سال ابتدایی، سه سال اول دبیرستان و سه سال دوم دبیرستان بوده است. از سال ۱۳۴۵ طول دوره ابتدایی از شش به پنج سال کاهش یافت. بدین ترتیب، دانش آموزان برای ورود به سه سال دوره راهنمایی آماده می شوند تا استعداد آنها دقیقاً شناسایی شده و بر مبنای استعدادهایشان، در دوره متوسطه، در رشته خاصی ادامه تحصیل بدهند. در حقیقت نظام آموزشی ایران در سال ۱۳۴۵ به صورت کلی تغییر کرد و از مهرماه سال ۱۳۵۰ دوره اول راهنمایی تحصیلی شروع شد.

بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که سن تقویمی نباید تنها شرط ورود کودک به دوره ابتدایی باشد، بلکه کودک باید از طریق آمادگی مورد ارزیابی قرار گیرد.

هدایت تحصیلی فقط به دوره راهنمایی تحصیلی محدود نمی شود، بلکه می تواند زمینه مشاهده منظم و علمی کودک را از دوره ابتدایی به وجود آورد و از این طریق، زمینه های استعداد و علائق کودک را شناسایی نمود. به نظر مربیان تعلیم و تربیت، مشاوره و راهنمایی تحصیلی در دوره ابتدایی باید به طور سیستماتیک صورت گیرد و مشاهده سیستماتیک از کودکان، به منظور تشخیص استعدادهایشان می باشد.

هدف عمده آموزش دوران ابتدایی، پرورش استعدادها و قابلیت های بالقوه کودکان می باشد؛ لذا این آموزش ها در تمام دنیا تحت عنوان آموزش های عمومی در نظر گرفته می شود.

تفاوت آموزش های رسمی با آموزش های غیررسمی :

آموزش های رسمی آموزش هایی هستند که دارای ساختار، هدف، برنامه ریزی، روش های تدریس و ضوابط پذیرش می باشند و فرقی آموزش غیررسمی با آموزش رسمی، در این است که آموزش رسمی در داخل نظام آموزش و پرورش رسمی کشور صورت می پذیرد.

آموزش های غیررسمی، مانند آموزش فنی و حرفه ای، آموزش بزرگسالان و آموزش ضمن خدمت، خارج از نظام آموزش رسمی می باشد.

ضوابط پذیرش در آموزش رسمی، بسیار محکم و غیرقابل تغییر می باشد، برای مثال تا فرد موفق به اخذ دیپلم نشود، نمی تواند به دانشگاه راه یابد. ولی ضوابط پذیرش در آموزش غیررسمی بسیار انعطاف پذیرند.

در آموزش رسمی، معلمان باید دارای مدرک تحصیلی باشند، یعنی ضوابط خاص و از پیش تعیین شده ای برای معلمان این دوره ها مشخص شده، در حالی که در آموزش غیررسمی، لزوماً معلمان دارای مدرک ثابت و مشخصی نیستند.

آموزش های رسمی بیشتر جنبه نظری دارند، در حالی که آموزش های غیررسمی، بیشتر کوتاه مدت و مهارت محورند. آموزش های غیررسمی سعی دارند کارآموزی و مهارت های عملی را در افراد ایجاد نمایند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تفاوت محیط پیش دبستانی و دبستان نیز، به همین صورت است. محیط پیش دبستانی باید شبیه به خانه باشد، مربی کودک را در آغوش بگیرد و به او محبت بورزد، اما در دبستان کلاس هایی با ساختار منظم وجود دارد زیرا فعالیت های مدرسه باید با نظم و انضباط انجام شوند.

ویژگی های بارز دوره ابتدایی :

دوره ی ابتدایی و برنامه ی درسی آن، مبنایی برای آموزش در دوره های بعد است. ویژگی منحصر به فرد دوره ابتدایی این است که بنیاد و اساس رفتار در این دوره پی ریزی می شود و رفتار انسان بزرگسالان محصول آموخته های او در خرد سالی است. دوره ی ابتدایی دوره ی شخصیت پروری است و در این دوره باید به ابعاد گوناگون وجود دانش آموز توجه شود. آموزش و پرورش در دوره ابتدایی و توفیق یافتن و یا توفیق نیافتن آن، با خانواده دانش آموز است، زیرا برنامه ی درسی خانواده در کودکی به مدرسه می آید شکل گرفته است و نیز دونهاد مدرسه و خانواده باید ارتباط موثر و مفیدی با هم داشته باشند. در واقع برنامه درسی دوره ی ابتدایی از برآیند مدرسه (برنامه درسی مدرسه) و خانواده شکل می گیرد. آموزش و پرورش در دوره ابتدایی زیر بنای توسعه است چون آموزش و پرورش، کودکان را به عنوان نیروهای آینده تربیت می کند.

در دوره ی ابتدایی یادگیری شیوه ی عمل و یادگیری روش بسیار مهم است، مثل یادگیری روش اندیشیدن، روش برقراری ارتباط ...

بعد روان شناختی آموزش نیز اهمیت بالایی دارد. روح کودک ظریف است و آسیب پذیر است و باید به علاقه ها، نیازهای روحیه ی او در تعیین روش تدریس توجه شود.

کنجکاوی کودک امکان و فرصت بسیار مناسبی برای رشد فراهم می کند.

آموزش و پرورش در دوره ی ابتدایی شدیداً آسیب پذیر است و نیز آمیخته ای از فرصت ها و تهدید است که در زمان مناسب باید از این فرصت ها استفاده کرد و به تهدیدها نیز توجه داشت.

ویژگی های روش تدریس در دوره ی ابتدایی :

۱- روش های تدریس در این دوره باید متنوع و با بازی آموزشی همراه باشد. زیرا کودک بازی را دوست دارد و از ثبات موقعیت گریزان است، یعنی نمی تواند برای مدت طولانی در یک موقعیت و حالت ثابت باقی بماند.

۲- انگیزه محور بودن: لازم است روشهایی را انتخاب کنیم که با اجرای آن ها، انگیزه ی یادگیری در کودک تقویت شود. برای این کار، بعد عاطفی تدریس باید قوی باشد تا تدریس برای دانش آموزان جذاب شود یک روش مناسب استفاده از قصه گوئی است.

۳- تاکید بر تجربه های یادگیری: در این دوره تجربه بیش تر از ارائه ی مستقیم دانش ارزش دارد زیرا تجربه معرفتی است که از طریق تعامل فرد با محیط به دست می آید. کودک به دلیل کنجکاوی میل به فعالیت دارد. هر چه فعالیت بیشتر باشد، امکان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سازماندهی تجربه بیشتر می شود. لازم به ذکر است که بین فعالیت و تجربه تفاوت وجود دارد. تجربه ها محصول فعالیت و از جنس معرفت و شناخت هستند. هر فعالیت ب تجربه ی مثبت منجر نمی شود و فعالیت ها را باید با توجه به هدف و سن انتخاب کرد.

۴-گسترش ذهن: در تدریس باید به گسترش فضای ذهنی دانش آموزان یاری رساند و نباید او را در فضای فیزیکی و مادی کلاس درس محبوس کرد. کلاس نباید مانند قفسی باشد که شاگردان در آن زندانی هستند. آن ها باید با محیط بیرون از مدرسه، اجتماع و ... هم تعادل داشته باشند.

۵-استفاده از قاعده ی این جا و اکنون: کودک در این دوره مکان های دور را نمی فهمد و باید تمام مسائل را به این جا مربوط کنیم. همچنین، مسائل زمانی دور را هم نمی فهمد و باید توسط مجسم کردن و عینی ساختن مسائل، مشکل زمان را برای او حل کرد.

۶-هماهنگی با اصول یادگیری: چون هدف تدریس یادگیری است و یادگیری قاعده مند است روش تدریس باید به اوصول یادگیری و عواملی که در امر یادگیری موثر هستند، توجه داشته باشد

از عوامل موثر در یادگیری می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-آمادگی: دانش آموز در رابطه با موضوع و برنامه ی درسی باید به آمادگی شناختی، عاطفی، روانی حرکتی رسیده باشد تا بتواند مطلب را یاد بگیرد.

۲-تجربیات قبلی هنگامی شخصی می تواند مطالب و عناصر موجود در محیط خود را بفهمد یا آن را تنفسی و ترجمه کند که از تجربیات گذشته ی خود کمک بگیرد.

۳-موقعیت یا دگیری: برای یادگیری موثر باید موقعیت و محیط یادگیری مناسب باشد.

۴-فعالیت یادگیرنده: در امر یادگیری، یادگیرنده باید فعال باشد.

۵-رغبت و علاقه (محرک): برای این که شاگرد نقش مهمی در جریان یادگیری به عهد بگیرد باید به موضوع یادگیری علاقه مند باشد.

۶-انتقال: دانش آموزان باید بتوانند آنچه را در مدرسه یا از طریق فعالیت تربیتی آموخته اند در برخورد با موقعیت های جدید و مسائل تازه به معرض اجرا بگذارند.

۷-کار گروهی: باید زمینه ی کار گروهی و با هم بودن های آزاد شاگردان فراهم شود.

در این دوره دانش آموزان بین عمل کردن فردی و جمعی شناورند و لازم است کار گروهی هر چند کوتاه مدت تقویت شود. زیرا هسته ی اولیه ی گرایش به گروه در دوره ی ابتدایی شکل می گیرد.

۸-رعایت کلیت و یکپارچگی: روش تدریس باید از کلی بودن و یکپارچگی برخوردار باشد. چون دانش آموز در این دوره کل گرا و جمعی نگر است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه گیری :

همان گونه که ذکر شد ، برنامه ریزی فرآیند مداوم ، حساب شده ، منطقی ، جهت دار و دور نگر است که تنها به یک مرحله معطوف نیست ، بلکه تداوم و جریان دارد . یکی از مراحل برنامه ریزی ، اجرای برنامه ی درسی تهیه شده است . این امر بر عهده ی معلم است و او با انتخاب روش تدریس ، دست به اجرای آن برنامه ی درسی می زند حال اگر همه ی مراحل برنامه ریزی درسی به نحو مطلوب انجام شده باشد ولی در مرحله ی اجرا روش مناسبی انتخاب نشود برنامه به هدفهای خود نمی رسد . پس معلمان گرامی باید در انتخاب روش تدریس مناسب برای برنامه ی درسی دقت عمل به خرج دهند و متناسب با نوع درس ، محتوی ، شرایط کلاس و ... از روش های تدریس مناسبی استفاده کنند تا از برنامه ی درسی حداکثر بهره گرفته شود . لازم به ذکر است معلمان علاوه بر انتخاب روش تدریس مناسب ، حین تدریس هم باید از مهارتهای دیگری نظیر : مهارت آغاز ، مهارت شروع تدریس ، مهارت بهره گیری مناسب از صدا ، مهارت ارتباط کلامی ، مهارت طرح پرسشهای مناسب و ... بهره گیرند . که این مقاله گنجایش پرداختن به همه ی این مهارت ها را ندارد .

اما با مراجعه به کتاب های روش تدریس و برنامه ریزی درسی و منابع مقاله ی حاضر می توان به طور کامل تری با روش های گوناگون تدریس ، محاسن و معایب هر کدام و عوامل موثر بر یادگیری و یاددهی آشنا شد و از آنها متناسب با کلاس خود بهره برد . به امید آنکه همکاران محترم با مطالعه ی هر چه بیشتر در رابطه با مقطع و پایه ی تدریس خود ، دانش آموزانی موفق و ساخته شده تحویل جامعه ی فرهنگی بدهند .

خلاصیت :

خلاصیت مفهومی پیچیده و دربرگیرنده ی ابعاد مختلف علمی ، فرهنگی ، سازمانی و فردی است . اگر بخواهند در جامعه ای این مفهوم توسعه یابد و به شکلی پایدار تحقق یابد در درجه ی اول شرایط علمی ، فرهنگی ، سازمانی و فردی آن را به وجود آورند . زیرا اگر شرایط لازم و مناسب علمی فراهم نیاید هر نوع کوشش از نظر کیفیت و محتوا بی نتیجه خواهد ماند . همچنین اگر نتوانیم شرایط فرهنگی و سازمانی تحقق و توسعه خلاصیت را ایجاد کنیم هر چه بکوشیم و توان علمی خود را افزایش دهیم باز هم نمی توانیم به توسعه ای پایدار دست پیدا کنیم .

آماده سازی شرایط گام اول پرورش خلاصیت دانش آموزان ابتدایی :

اکثر صاحب نظران بر این باورند که اولین گام در پرورش خلاصیت کودکان به وجود آوردن شرایط مناسب در محیط خانوادگی ، آموزشی است . کارل راجرز می گوید : واضح است که خلاصیت را نمی توان با فشار به وجود آورد بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند . در مورد خلاصیت هم همین وضع صادق است . چگونه می توانیم شرایط خارجی را مساعد بسازیم تا شرایط داخلی تسریع شود و خلاصیت پرورش یابد ؛ تجربیات من در روانشناسی من را به این مطلب معتقد کرد که می توانیم با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی ، احتمال ظهور خلاصیت سازنده را افزایش دهیم .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آموزش و پرورش برای رشد و خلاقیت و نو آوری در معلم و دانش آموز به ویژه در دوره آموزش ابتدایی به منزله ی زیر بنای تعلیم تربیت باید درک روشن و صریحی از شرایط موجود به دست بیاورد ، در گام بعدی باید بکوشد بر مبنای فلسفه ی تعلیم و تربیت و اهداف اصولی و معیارهای علمی و معتبر تصویر روشنی از شرایط مطلوب پرورش خلاقیت رسم کند . با ارائه ی این تصویر می توان به خوبی دریافت که شرایط پرورش خلاقیت در کلاس درس ، مدرسه ، سازمان آموزش ، خانواده یا هر محل آموزشی و پرورشی دیگر ، باید به چه صورتی باشد . در نتیجه می توان با کمترین صرف وقت ، انرژی ، انگیزه و سرمایه در مسیر پرورش و شکوفایی خلاقیت و نو اندیشی قرار گرفت . اما اگر شرایط مناسب علمی ، اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و فردی پرورش خلاقیت را فراهم نیاوریم هر عامل مثبتی در مسیر خلاقیت نه تنها موثر نخواهد بود بلکه به صورت یک مانع عمل خواهد کرد .

بسیار می شنویم می خوانیم و مشاهده می کنیم که همه درباره شیوه های پرورش خلاقیت دانش آموزان بحث می کنند . درحالی که دانش آموزان درمقام فراگیرنده و شکل پذیرآموزش و پرورش به شدت تحت تاثیررفتارمعلم قراردارد . دردوره ابتدایی که اثرپذیری ، نقش پذیری و انعطاف پذیری بیشتر به چشم می خورد ، ضرورت دارد که بیش ازپیش ازپرداختن به شیوه های پرورش خلاقیت دانش آموزان سعی کنید یک معلم نواندیش ، نوآورو خلاق باشید ، زیرا معلم درابتدای امرآموزش درنظر دانش آموزالگوی قابل اعتمادی است که سبب اثبات یا نفی یادگیری می شود . اگر معلم آموزش خلاقیت را به دانش آموزش به صورت کلامی ارائه دهد ولی خودش الگوی عملی خلاقیت نباشد برای او تناقض و تضاد شناختی به وجود می آورد . اگر درگفتار خود شیوه آموزش و نحوه پرسیدن سؤال شیوه برقراری ارتباط عاطفی و نحوه ارزشیابی خلاق را بروزندهیم و احساس و عاطفه خود را به شکل خلاقانه ای ابراز نکنیم هرچه تلاش کنیم نمی توانیم به خوبی آموزش عملی باعث پرورش خلاقیت آنها بشویم . درحقیقت معلم باید با رفتارعملی خود به شکل خلاقانه ای اندیشه ها وافکارش را نمایش دهد و با ابرازاحساس عاطفه و شکل های گوناگون کلامی و غیرکلامی خلاقیت ، فرصت نمونه برداری ادراکی را برای دانش آموز فراهم کند تا او بتواند به خلاقیت و نوآوری دست یابد .

ضروری ترین گام معلم برای پرورش خلاقیت دانش آموزان تلاش و کوشش او درپرورش خلاقیت خود اوست ولی این حرکت نباید سبب شود که معلم ازیاد دانش آموزان غافل شود . دراصل این حرکت دوسویه است و از معلم به شاگرد و از شاگرد به معلم باز می گردد . «بی آرتورا - کارین و رابرت بی ساند» درباره نقش خلاقیت معلم درزمینه توسعه خلاقیت درکلاس می نویسند :
معلمانی که ازخود رفتار خلاق نشان می دهند محیط های کلاس درسی به وجود می آورند که خلاقیت را ارتقا می دهند. این معلمان از موانع حسی و فرهنگی درکلاس خود پرهیز می کنند:

-آثار مطابقت - ایمان بیش از حد به منطق - ترس از اشتباه یا ناکامی - خود ارضایی - نداشتن استقلال - اتکا به قدرت -
کمال گرایی . اگر این چند نشانه را درمورد معلم خلاق و آفرینشگر درنظر بگیریم می توانیم از همین امروز درجهت پویایی و خلاقیت بیشترخود حرکت کنیم .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خلاقیت در کلاس :

معلم دوره ابتدایی می باید ذهنی فعال، پویا و اطلاعاتی علمی و به روز و کاربردی داشته باشد. معلم دوره ابتدایی باید یک سلسله اصول و مبانی را در جهت پرورش خلاقیت دانش آموزان در کلاس درس در نظر بگیرد تا بتواند در این زمینه موفق شود. برخی از این اصول به شرح زیر است :

- ۱- پرورش خلاقیت در آموزش ابتدایی نیازمند نوگرایی، انعطاف پذیری و تنوع در رفتار، گفتار و تدریس است.
- ۲- اگر معلم ابتدایی پرتکاپو، با انرژی و فعال و با نشاط باشد سبب رشد خلاقیت در دانش آموز خواهد بود.
- ۳- اعتماد به نفس معلم در رشد اعتماد به نفس در دانش آموزان ابتدایی خلاقیت است.
- ۴- خطرپذیری، بارش فکری، یورش اندیشه برای دانش آموز زمینه فن پرورش خلاقیت است.
- ۵- میل به تجربه های آموزشی ناشناخته، ترجیح دادن سادگی به پیچیدگی، طرح سؤال، تحریک کنجکاوی، آموزش کشف محیط، جهت دهی ذهنی دانش آموز برای رشد خلاقیت در دوره ابتدایی ضروری است.
- ۶- فشار نیاوردن، تحمیل نکردن دانسته های خود و تقویت مثبت دانش آموز ابتدایی در پرورش خلاقیت تاثیر بسیار دارد.
- ۷- بازی و فعالیت های آزاد و انعطاف پذیر کلاس سبب رشد افکار و احساسات خلاقانه می شود.
- ۸- معلم شوخ طبع، خوش رو و دارای علایق هنری باعث تحریک در رشد خلاقیت می شود.
- ۹- پرهیز از دانش جدید، روش های تازه، فکرنو، برنامه های جدید و ابراز وجود مانع رشد خلاقیت است.
- ۱۰- گرایش به روش های تکراری، آموزش از روی عادت، پرسش و پاسخ کلیشه ای، روح خلاقیت را در دانش آموز ابتدایی می کشد.
- ۱۱- نداشتن تمرکز ذهنی، تحمل نکردن، ابهام و تضاد وابستگی و انجام فکری نشانه ی نبود خلاقیت است.
- ۱۲- رشد علمی، تجربه کلاسی، ارزشیابی مستمر از خود از عوامل رشد خلاقیت است.

پرورش خلاقیت در خانواده :

- ۱- به اندیشه ها، ایده ها و نظرهای فرزندان بی اعتنا نباشید و آنها را بی اهمیت و ناچیز نشمارید.
- ۲- فرزندان را با داستان، اسطوره و افسانه ها آشنا کنید تا پشتوانه فرهنگی قوی و محکمی در این زمینه داشته باشید.
- ۳- در صورت امکان به فرزندان حق انتخاب و آزادی عمل بدهید.
- ۴- با فرزندان از رویاها و امیدهای آینده صحبت کنید.
- ۵- طوری رفتار نکنید که گویی فقط آن چه بزرگ ترها انجام می دهند اهمیت دارد.^{۱۳}



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فهرست منابع:

- ۱- (احسانی ، پرنیان (۱۳۷۴) . انواع بازخورد اطلاعاتی برانگیزه ی درونی و عملکرد دانش آموزان کلاس پنجم دبستان . پایان نامه کارشناسی ارشد . دانشگاه تهران . دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی .
- ۲- امینی ، محمد (۱۳۸۳) . الگویی برای برنامه ی درسی هنر . مجموعه ی مقالات همایش اصلاحات در آموزش و پرورش . پژوهشکده ی تعلیم و تربیت . تهران
- ۳- سیف ، علی اکبر -روانشناسی تربیتی ، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور ، چاپ چهارم آبان ۱۳۷۸
- ۴- ماهنامه رشد مدیریت مدرسه -شماره ۳ ، دوره ششم آذر ۸۶ -.
- ۵- ماهنامه ی رشد مدیریت مدرسه ، شماره ۶ ، دوره ی ششم اسفند ۸۶
- www.fastcompany.com/magazine/53/teaching.html
- ۶- میرهادی ، توران (خمارلو) . کتاب کار مربی کودک (برنامه ی کار مربی در مهد کودک و کودکستان) - {ویرایش؟} - تهران : آگاه
- ۷- ایماش ، محسن ، کلاس اولی ها - تهران : سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۸۷ - انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان ؛ شماره ۱۲۰ .

8- black,p.(2004)working in side the black box ,phi delta kappa ,September.

9-www.attaran.net .amouzgar.persianblog.ir